

طراحی الگوی راهبردهای تقویت تعامل بین فرهنگی در مدارس مرزی

مریم بختیاری^۱، سید احمد فاطمی نیا^{۲*}، الهه فرهودی^۳

۱. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. گروه ارزیابی آموزشی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: s.a.fateminia@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، طراحی الگویی از راهبردهای تقویت تعامل بین فرهنگی در مدارس مرزی ایران با تأکید بر تجارب معلمان، مدیران و کارشناسان آموزشی است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۲۰ نفر از معلمان، مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش در تهران گردآوری شد. مشارکت کنندگان به صورت هدفمند و با معیار حداکثر تنوع انتخاب شدند و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌های متنی حاصل با استفاده از نرم افزار NVivo تحلیل گردید و مضامین اصلی در شش مرحله شناسایی شدند. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مضمون اصلی شد: (۱) توانمندسازی فرهنگی معلمان و دانش آموزان، (۲) سیاست‌ها و ساختارهای پشتیبان بین فرهنگی، و (۳) ترویج همزیستی و گفت‌وگوی بین فرهنگی. این مضامین شامل ۸ خرده مضمون و بیش از ۳۰ مفهوم کلیدی بودند که ابعاد مختلف تعامل بین فرهنگی در محیط مدارس مرزی را پوشش می‌دادند. نقل قول‌های مشارکت کنندگان نیز تأکید بر ضرورت وجود آموزش‌های میان فرهنگی، محتوای درسی منعکس کننده تنوع فرهنگی، و محیط یادگیری فراگیر داشتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تقویت تعامل بین فرهنگی در مدارس مرزی مستلزم رویکردی چندسطحی شامل برنامه‌ریزی آموزشی، توانمندسازی معلمان، اصلاح محیط یادگیری و حمایت نهادی است. طراحی چنین الگویی می‌تواند به ارتقای عدالت آموزشی، انسجام اجتماعی و تربیت شهروندی چندفرهنگی در نواحی مرزی کشور کمک کند.

کلیدواژه‌گان: تعامل بین فرهنگی، مدارس مرزی، آموزش چندفرهنگی، توانمندسازی فرهنگی، برنامه درسی فراگیر

تاریخ ارسال: ۴ آبان ۱۴۰۳

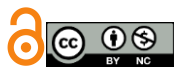
تاریخ بازنگری: ۸ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ دی ۱۴۰۳



How to cite: Bakhtiari, M., Fateminia, S. A., & Farhodi, E. (2024). Designing a Model of Strategies for Enhancing Intercultural Interaction in Border Schools. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(4), 1-9.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Designing a Model of Strategies for Enhancing Intercultural Interaction in Border Schools

Maryam Bakhtiari¹, Seyed Ahmad Fateminia^{2*}, Elaheh Farhodi³

1. Department of Educational Management, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2. Department of Educational Management, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

3. Department of Educational Evaluation, Yazd University, Yazd, Iran

*Corresponding Author's Email: s.a.fateminia@gmail.com

Abstract

The present study aims to design a strategic model for enhancing intercultural interaction in border schools in Iran, based on the experiences of teachers, principals, and education experts. This qualitative study employed thematic analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 20 teachers, school principals, and educational experts in Tehran. Participants were selected purposefully with maximum variation sampling, and interviews continued until theoretical saturation was reached. The textual data were analyzed using NVivo software through a six-phase thematic analysis process. Three main themes emerged from the data: (1) Cultural empowerment of teachers and students, (2) Supportive intercultural policies and structures, and (3) Promotion of coexistence and intercultural dialogue. These themes included 8 subthemes and over 30 key concepts addressing various dimensions of intercultural interaction in border school settings. Participant quotes emphasized the need for intercultural training, inclusive curriculum content, and culturally responsive learning environments. Findings indicate that fostering intercultural interaction in border schools requires a multi-layered approach, including curriculum planning, teacher capacity-building, learning environment reform, and institutional support. The proposed model can promote educational equity, social cohesion, and multicultural citizenship education in border regions.

Keywords: *Intercultural interaction, border schools, multicultural education, cultural empowerment, inclusive curriculum*

Submit Date: 25 October 2024

Revise Date: 28 November 2024

Accept Date: 22 December 2024

Publish Date: 3 January 2025

در جهان معاصر، تنوع فرهنگی به یکی از ویژگی‌های بارز جوامع انسانی بدل شده است و نظام‌های آموزشی نیز ناگزیر از پاسخگویی به این تنوع هستند. در این میان، مدارس مرزی به‌عنوان فضاهایی که در آن‌ها اقوام و فرهنگ‌های گوناگون در تماس مستمر قرار دارند، بستر مناسبی برای تکوین تعاملات بین‌فرهنگی و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم می‌آورند. باین‌حال، فقدان راهبردهای نظام‌مند برای مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و نبود برنامه‌های مؤثر آموزشی می‌تواند منجر به بروز تعارضات فرهنگی، تبعیض، طرد اجتماعی و افت کیفیت آموزشی گردد (Banks, 2015).

تعامل بین‌فرهنگی، مفهومی بنیادین در مطالعات آموزش چندفرهنگی به‌شمار می‌رود که به توانایی افراد در ایجاد ارتباطات مؤثر، محترمانه و مبتنی بر درک متقابل با کسانی اطلاق می‌شود که پیش‌زمینه‌های فرهنگی متفاوتی دارند (Deardorff, 2006). چنین تعاملی نه‌تنها مستلزم دانش و آگاهی فرهنگی، بلکه نیازمند مهارت‌های اجتماعی، نگرش‌های همدلانه و ساختارهای حمایتی نیز هست. در شرایطی که مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و قومی به‌طور چشم‌گیری در حال درهم‌تنیدگی هستند، نظام آموزش و پرورش باید نقش فعالی در تربیت شهروندان جهانی ایفا کند؛ شهروندانی که توانایی درک و تعامل مؤثر با تنوع فرهنگی را داشته باشند (UNESCO, 2017).

در بسیاری از کشورهای چندقومیتی، از جمله ایران، نواحی مرزی دارای ترکیبی از قومیت‌ها، زبان‌ها و آیین‌های مختلف هستند که در صورت عدم توجه به مدیریت تعاملات فرهنگی، می‌توانند بستر کشمکش، سوءبرداشت یا انزوای فرهنگی شوند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نادیده گرفتن تفاوت‌های فرهنگی در محیط‌های آموزشی می‌تواند منجر به افزایش تبعیض، حاشیه‌نشینی دانش‌آموزان اقلیت، و کاهش انسجام اجتماعی گردد (Gay, 2018). در مقابل، اتخاذ رویکردی فعالانه و راهبردمحور در جهت تقویت تعامل بین‌فرهنگی، به ایجاد جو مدرسه‌ای فراگیر و عادلانه کمک می‌کند و زمینه تربیت نسلی همدل و تاب‌آور در برابر تنوع را فراهم می‌سازد (Banks & Banks, 2019).

با وجود اهمیت این موضوع، در نظام آموزشی ایران به‌ویژه در مدارس مناطق مرزی، کمتر به طراحی الگوهای جامع و بومی برای تقویت تعامل بین‌فرهنگی توجه شده است. بیشتر رویکردهای موجود یا کلی‌نگر و غیرکاربردی هستند، یا تمرکز آن‌ها تنها بر رفع تعارضات مقطعی بوده است، نه پیشگیری و نهادینه‌سازی ارزش‌های همزیستی فرهنگی. از سوی دیگر، معلمان و مدیران مدارس مرزی به دلیل فقدان آموزش‌های تخصصی و ابزارهای کارآمد، اغلب قادر به مدیریت موقعیت‌های میان‌فرهنگی نیستند و در مواجهه با مسائل تنوع فرهنگی، دچار سردرگمی یا انفعال می‌شوند (Cushner, McClelland, & Safford, 2012).

مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که راهبردهای مؤثر در این زمینه باید چندبعدی باشند و عناصر مختلفی چون برنامه درسی، سیاست‌گذاری آموزشی، توانمندسازی حرفه‌ای معلمان، محیط یادگیری، مشارکت خانواده‌ها و نقش جامعه محلی را دربر گیرند (OECD, 2020). برای مثال، گنجاندن محتوای چندفرهنگی در کتاب‌های درسی، طراحی پروژه‌های مشارکتی میان‌فرهنگی، آموزش سواد بین‌فرهنگی به معلمان و دانش‌آموزان، و استفاده از نمادهای فرهنگی متنوع در فضای مدرسه، از جمله اقدامات مؤثری هستند که در مطالعات پیشین بر آن‌ها تأکید شده است (Nieto, 2010; Banks, 2015).

علاوه بر این، مفهوم «قابلیت بین‌فرهنگی» (Intercultural Competence) که شامل ترکیبی از دانش، نگرش، مهارت و آگاهی‌های انتقادی است، به‌عنوان مبنایی نظری برای طراحی برنامه‌های مداخله‌ای و تربیتی در این حوزه مطرح شده است. Deardorff (۲۰۰۶) با ارائه مدل هرم قابلیت بین‌فرهنگی، بر اهمیت خودآگاهی فرهنگی، احترام متقابل، و انعکاس‌پذیری انتقادی تأکید دارد. این مؤلفه‌ها می‌توانند به‌عنوان پایه‌های طراحی الگوی راهبردی برای مدارس مرزی مورد استفاده قرار گیرند.

در سطح ملی، اسناد بالادستی آموزش و پرورش همچون سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی، به‌طور ضمنی بر عدالت آموزشی، تربیت شهروند چندفرهنگی و تقویت انسجام ملی تأکید دارند؛ با این‌حال، نبود چارچوب عملیاتی مشخص، اجرای این مفاهیم را در سطح مدرسه با چالش

مواجه ساخته است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). در چنین شرایطی، انجام پژوهش‌های کیفی به‌منظور کشف تجارب زیسته معلمان، مدیران و کارشناسان آموزشی می‌تواند به طراحی الگوی بومی، کاربردی و مبتنی بر واقعیت‌های محلی منجر گردد. با توجه به اهمیت موضوع و خلأهای موجود، پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی راهبردهای تقویت تعامل بین‌فرهنگی در مدارس مرزی انجام شده است. این پژوهش تلاش می‌کند تا با استفاده از داده‌های کیفی و تحلیل تجارب متخصصان، معلمان و مدیران فعال در حوزه آموزش و فرهنگ، مؤلفه‌ها، راهبردها و الزامات تحقق تعامل مؤثر بین‌فرهنگی در مدارس مرزی را شناسایی و طبقه‌بندی کند. امید است که یافته‌های این تحقیق بتوانند به تدوین برنامه‌های آموزشی، سیاست‌گذاری فرهنگی و ارتقای کیفیت محیط‌های یاددهی-یادگیری در مناطق مرزی کشور کمک نمایند.

روش‌شناسی

در این پژوهش از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون جهت شناسایی و طراحی الگوی راهبردهای تقویت تعامل بین‌فرهنگی در مدارس مرزی استفاده شده است. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به درک عمیق از تجربه‌ها، دیدگاه‌ها و راهکارهای کنشگران آموزشی در زمینه تعاملات بین‌فرهنگی، بر پایه مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شده است.

مطالعه حاضر به صورت کیفی و با بهره‌گیری از طرح پژوهش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) اجرا گردید. جامعه آماری این پژوهش را کارشناسان آموزشی، مدیران مدارس مرزی، معلمان دارای تجربه در مناطق مرزی، و صاحب‌نظران حوزه آموزش بین‌فرهنگی تشکیل دادند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند (Purposeful Sampling) با معیار حداکثر تنوع صورت گرفت. فرآیند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت با ۲۰ نفر از مشارکت‌کنندگان ساکن تهران که در حوزه آموزش و مسائل فرهنگی مرزی فعالیت یا تجربه داشتند، مصاحبه انجام شد.

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که با طرح پرسش‌های باز و انعطاف‌پذیر، امکان کشف تجربیات عمیق و چندلایه مشارکت‌کنندگان فراهم گردید. مدت‌زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۰ دقیقه متغیر بود و مصاحبه‌ها پس از کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌صورت کامل پیاده‌سازی شدند.

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۲ مورد تحلیل قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها بر مبنای شش مرحله تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) شامل آشنایی با داده‌ها، استخراج کدهای اولیه، شناسایی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین، و تدوین گزارش صورت گرفت. جهت اعتباربخشی یافته‌ها، از راهبردهایی چون بررسی مجدد کدها توسط همکار پژوهشی، بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان (Member Checking)، و بهره‌گیری از بازخوردهای خبرگان بهره گرفته شد.

یافته‌ها

مضمون اول: توانمندسازی فرهنگی معلمان و دانش‌آموزان

خرده‌مضمون ۱: آموزش سواد بین‌فرهنگی

یکی از اصلی‌ترین راهبردهای پیشنهادی در مصاحبه‌ها، تقویت سواد بین‌فرهنگی در مدارس مرزی بود. معلمان باید با مفاهیم هویت فرهنگی، احترام به تفاوت‌ها و حل تعارضات آشنا شوند. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان داشت:

«تا معلم ندونه که فرهنگ بچه‌ها چیه، نمی‌تونه درست باهاشون ارتباط برقرار کنه، چه برسه به آموزش تعامل فرهنگی».

مفاهیمی مانند درک تفاوت‌های فرهنگی، آموزش احترام به فرهنگ دیگران، و ارتقای آگاهی از کلیشه‌ها در این بخش پررنگ بود.

خرده‌مضمون ۲: توانمندسازی حرفه‌ای معلمان

توسعه مهارت‌های ارتباطی معلمان، تسهیل‌کننده تعامل مثبت میان دانش‌آموزان با پیش‌زمینه‌های فرهنگی مختلف است. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت:

«ما دوره‌های آموزش معلمی داریم، ولی خیلی کم به بحث فرهنگ‌های متنوع پرداخته می‌شه، مخصوصاً تو مناطق مرزی که واقعاً لازمه».

در این راستا، مفاهیمی همچون آموزش مهارت‌های میان‌فرهنگی، ارتقای درک چندفرهنگی و پرورش ذهن باز معلمان شناسایی شد.

خرده‌مضمون ۳: تقویت خودآگاهی فرهنگی در دانش‌آموزان

ایجاد فرصت‌هایی برای بیان هویت فرهنگی و بومی توسط دانش‌آموزان، موجب افزایش عزت نفس و پذیرش تفاوت‌ها می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت:

«بچه‌ها وقتی بتونن فرهنگ خودشون رو معرفی کنن، احساس ارزشمندی می‌کنن و دیگران هم بهتر می‌تونن درکشون کنن».

مفاهیمی همچون خودابرازی فرهنگی، گفتگو پیرامون سنت‌ها، و پرورش غرور فرهنگی در این زمینه اهمیت داشتند.

مضمون دوم: سیاست‌ها و ساختارهای پشتیبان بین‌فرهنگی

خرده‌مضمون ۱: گنجاندن تنوع فرهنگی در محتوای درسی

مطابق دیدگاه مشارکت‌کنندگان، لازم است محتوای آموزشی مدارس مرزی بازتاب‌دهنده فرهنگ‌های محلی و تنوع قومی باشد. یک معلم مرزی گفت:

«بچه وقتی کتاب درسی رو باز می‌کنه، باید فرهنگ خودش رو هم ببینه. نه اینکه فقط یه روایت خاص ببینه که با زندگی‌ش بیگانه‌ست».

مفاهیمی از جمله بازنمایی فرهنگ‌های محلی در کتاب‌ها، تولید محتوای متناسب با اقوام، و اصلاح نگاه تک‌فرهنگی به‌عنوان نکات کلیدی شناخته شد.

خرده‌مضمون ۲: حمایت نهادهای دولتی و محلی

تقویت تعامل بین‌فرهنگی نیازمند پشتیبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی از سوی نهادهای ذی‌ربط است. یکی از کارشناسان آموزشی بیان داشت:

«تا سیاست آموزش و پرورش روشن نباشه، مدیر مدرسه نمی‌دونه باید چه کار کنه برای تنوع فرهنگی».

در این خرده‌مضمون، مفاهیمی همچون تدوین سند راهبردی آموزش چندفرهنگی، تقویت مشارکت شوراهای محلی، و تأمین منابع مالی و انسانی مطرح شد.

خرده‌مضمون ۳: طراحی محیط یادگیری انعطاف‌پذیر

فضای فیزیکی و روانی مدرسه نیز باید به‌گونه‌ای طراحی شود که فرهنگ‌های مختلف بتوانند در آن حضور فعال داشته باشند. به گفته یکی از مدیران:

«مدرسه‌ای که فقط یک نوع نماد فرهنگی رو تو حیاط یا جشن‌ها نشون می‌ده، بچه‌های دیگه رو طرد می‌کنه».

مفاهیم مرتبط با این خرده‌مضمون شامل طراحی فضاهای باز فرهنگی، تنوع در نمادهای مدرسه، و فرصت‌های برابر در فعالیت‌های فرهنگی بودند.

مضمون سوم: ترویج همزیستی و گفت‌وگوی بین‌فرهنگی

خرده‌مضمون ۱: تسهیل تعاملات فرهنگی دانش‌آموزان

ایجاد موقعیت‌هایی برای تبادل فرهنگی بین دانش‌آموزان از اقوام مختلف، باعث تقویت همزیستی می‌شود. یکی از معلمان گفت:

«ما یه روز فرهنگی گذاشتیم که هر کلاس فرهنگ خودش رو معرفی کنه؛ بعد از اون، بچه‌ها خیلی راحت‌تر با هم ارتباط گرفتن».

در این راستا، مفاهیمی همچون برگزاری روزهای فرهنگی، نمایشگاه آداب و رسوم محلی، و اجرای پروژه‌های مشترک میان فرهنگی شناسایی شد.

خرده‌مضمون ۲: مدیریت تعارضات فرهنگی

تعارضات ناشی از سوءبرداشت‌های فرهنگی در مدارس مرزی طبیعی است و نیاز به مدیریت آموزشی دارند. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «گاهی فقط یه شوخی ساده درباره لهجه، باعث دلخوری و درگیری می‌شه؛ معلم باید بلد باشه اینا رو مدیریت کنه».

مفاهیمی مانند آموزش میانجی‌گری فرهنگی، تکنیک‌های حل مسئله، و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در این زمینه استخراج شد.

خرده‌مضمون ۳: پرورش نگرش‌های همدلانه

پرورش ارزش‌هایی مانند احترام، همدلی و پذیرش دیگران در بین دانش‌آموزان، زیرساخت گفت‌وگوی بین‌فرهنگی است. یکی از کارشناسان اظهار داشت:

«تا بچه‌ها از همدلی و تفاهم حرف نزنن، نمی‌شه انتظار داشت تعامل مثبت شکل بگیره».

مفاهیمی چون آموزش همدلی، تجربه‌نگاری فرهنگی، و تقویت نگاه انسانی مشترک در این بخش برجسته بودند.

بحث و نتیجه‌گیری

در جهان معاصر، تنوع فرهنگی به یکی از ویژگی‌های بارز جوامع انسانی بدل شده است و نظام‌های آموزشی نیز ناگزیر از پاسخگویی به این تنوع هستند. در این میان، مدارس مرزی به‌عنوان فضاهایی که در آن‌ها اقوام و فرهنگ‌های گوناگون در تماس مستمر قرار دارند، بستر مناسبی برای تکوین تعاملات بین‌فرهنگی و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم می‌آورند. باین‌حال، فقدان راهبردهای نظام‌مند برای مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و نبود برنامه‌های مؤثر آموزشی می‌تواند منجر به بروز تعارضات فرهنگی، تبعیض، طرد اجتماعی و افت کیفیت آموزشی گردد (Banks, 2015).

تعامل بین‌فرهنگی، مفهومی بنیادین در مطالعات آموزش چندفرهنگی به‌شمار می‌رود که به توانایی افراد در ایجاد ارتباطات مؤثر، محترمانه و مبتنی بر درک متقابل با کسانی اطلاق می‌شود که پیش‌زمینه‌های فرهنگی متفاوتی دارند (Deardorff, 2006). چنین تعاملی نه‌تنها مستلزم دانش و آگاهی فرهنگی، بلکه نیازمند مهارت‌های اجتماعی، نگرش‌های همدلانه و ساختارهای حمایتی نیز هست. در شرایطی که مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و قومی به‌طور چشم‌گیری در حال درهم‌تنیدگی هستند، نظام آموزش و پرورش باید نقش فعالی در تربیت شهروندان جهانی ایفا کند؛ شهروندانی که توانایی درک و تعامل مؤثر با تنوع فرهنگی را داشته باشند (UNESCO, 2017).

در بسیاری از کشورهای چندقومیتی، از جمله ایران، نواحی مرزی دارای ترکیبی از قومیت‌ها، زبان‌ها و آیین‌های مختلف هستند که در صورت عدم توجه به مدیریت تعاملات فرهنگی، می‌توانند بستر کشمکش، سوءبرداشت یا انزوای فرهنگی شوند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نادیده گرفتن تفاوت‌های فرهنگی در محیط‌های آموزشی می‌تواند منجر به افزایش تبعیض، حاشیه‌نشینی دانش‌آموزان اقلیت، و کاهش انسجام اجتماعی گردد (Gay, 2018). در مقابل، اتخاذ رویکردی فعالانه و راهبردمحور در جهت تقویت تعامل بین‌فرهنگی، به ایجاد جو مدرسه‌ای فراگیر و عادلانه کمک می‌کند و زمینه تربیت نسلی همدل و تاب‌آور در برابر تنوع را فراهم می‌سازد (Banks & Banks, 2019).

با وجود اهمیت این موضوع، در نظام آموزشی ایران به‌ویژه در مدارس مناطق مرزی، کمتر به طراحی الگوهای جامع و بومی برای تقویت تعامل بین‌فرهنگی توجه شده است. بیشتر رویکردهای موجود یا کلی‌نگر و غیرکاربردی هستند، یا تمرکز آن‌ها تنها بر رفع تعارضات مقطعی بوده است، نه پیشگیری و نهادینه‌سازی ارزش‌های همزیستی فرهنگی. از سوی دیگر، معلمان و مدیران مدارس مرزی به دلیل فقدان آموزش‌های تخصصی و ابزارهای کارآمد، اغلب قادر به مدیریت موقعیت‌های میان‌فرهنگی نیستند و در مواجهه با مسائل تنوع فرهنگی، دچار سردرگمی یا انفعال می‌شوند (Cushner, McClelland, & Safford, 2012).

مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که راهبردهای مؤثر در این زمینه باید چندبُعدی باشند و عناصر مختلفی چون برنامه درسی، سیاست‌گذاری آموزشی، توانمندسازی حرفه‌ای معلمان، محیط یادگیری، مشارکت خانواده‌ها و نقش جامعه محلی را دربر گیرند (OECD, 2020). برای مثال،

گنجاندن محتوای چندفرهنگی در کتاب‌های درسی، طراحی پروژه‌های مشارکتی میان‌فرهنگی، آموزش سواد بین‌فرهنگی به معلمان و دانش‌آموزان، و استفاده از نمادهای فرهنگی متنوع در فضای مدرسه، از جمله اقدامات مؤثری هستند که در مطالعات پیشین بر آن‌ها تأکید شده است (Nieto, 2010; Banks, 2015).

علاوه بر این، مفهوم «قابلیت بین‌فرهنگی» (Intercultural Competence) که شامل ترکیبی از دانش، نگرش، مهارت و آگاهی‌های انتقادی است، به‌عنوان مبنایی نظری برای طراحی برنامه‌های مداخله‌ای و تربیتی در این حوزه مطرح شده است. Deardorff (۲۰۰۶) با ارائه مدل هرم قابلیت بین‌فرهنگی، بر اهمیت خودآگاهی فرهنگی، احترام متقابل، و انعکاس‌پذیری انتقادی تأکید دارد. این مؤلفه‌ها می‌توانند به‌عنوان پایه‌های طراحی الگوی راهبردی برای مدارس مرزی مورد استفاده قرار گیرند.

در سطح ملی، اسناد بالادستی آموزش و پرورش همچون سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی، به‌طور ضمنی بر عدالت آموزشی، تربیت شهروند چندفرهنگی و تقویت انسجام ملی تأکید دارند؛ با این حال، نبود چارچوب عملیاتی مشخص، اجرای این مفاهیم را در سطح مدرسه با چالش مواجه ساخته است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). در چنین شرایطی، انجام پژوهش‌های کیفی به‌منظور کشف تجارب زیسته معلمان، مدیران و کارشناسان آموزشی می‌تواند به طراحی الگویی بومی، کاربردی و مبتنی بر واقعیت‌های محلی منجر گردد.

با توجه به اهمیت موضوع و خلأهای موجود، پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی راهبردهای تقویت تعامل بین‌فرهنگی در مدارس مرزی انجام شده است. این پژوهش تلاش می‌کند تا با استفاده از داده‌های کیفی و تحلیل تجارب متخصصان، معلمان و مدیران فعال در حوزه آموزش و فرهنگ، مؤلفه‌ها، راهبردها و الزامات تحقق تعامل مؤثر بین‌فرهنگی در مدارس مرزی را شناسایی و طبقه‌بندی کند. امید است که یافته‌های این تحقیق بتوانند به تدوین برنامه‌های آموزشی، سیاست‌گذاری فرهنگی و ارتقای کیفیت محیط‌های یاددهی-یادگیری در مناطق مرزی کشور کمک نمایند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Banks, J. A. (2015). *Cultural diversity and education: Foundations, curriculum, and teaching* (6th ed.). Pearson.
- Banks, J. A., & Banks, C. A. M. (2019). *Multicultural education: Issues and perspectives* (10th ed.). Wiley.
- Cushner, K., McClelland, A., & Safford, P. (2012). *Human diversity in education: An intercultural approach* (7th ed.). McGraw-Hill.
- Deardorff, D. K. (2006). Identification and assessment of intercultural competence as a student outcome of internationalization. *Journal of Studies in International Education*, 10(3), 241–266. <https://doi.org/10.1177/1028315306287002>
- Gay, G. (2018). *Culturally responsive teaching: Theory, research, and practice* (3rd ed.). Teachers College Press.
- Nieto, S. (2010). *The light in their eyes: Creating multicultural learning communities* (10th Anniversary ed.). Teachers College Press.
- OECD. (2020). *Educating for a changing world: The future of education and skills 2030*. OECD Publishing.
- UNESCO. (2017). *Intercultural competence: Conceptual and operational framework*. Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.